



یادداشت

با وجود این حکومت بهبودی متصور نیست

صادق کار



خبرگزاری ایلنا به نقل از "محمد جعفر عبدالهی" رئیس دادگستری استان سمنان خبر از بازداشت سرپرست معدن "رزمجا طزره دامغان" به جرم قتل غیر عمد ۶ کارگر این معدن که مدتی پیش در اثر نبود ونقص وسایل ایمنی کاردر این معدن کشته شدند را داده است

او با اشاره به تشکیل دو کار گروه ویژه برای بررسی علل این حادثه گفته است اگر احتمالاً به تشخیص گروه حقیقت یاب کسان دیگری در حادثه معرفی شوند که در حادثه مقصر بوده باشند، برابر با موازین قانونی با آنها برخورد خواهد شد

در حادثه انفجار این معدن متاسفانه بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت، جان باختند. در روز کارگر دو سال پیش نیز دو معدن چی دیگر در اثر حادثه دیگری که هنگام کار در همین معدن رخ داد قربانی شدند. تکرار حوادث در این معدن و معادن دیگر نشان می دهد که حکومت و کارفرمایان ارزشی برای جان کارگران قائل نیستند، که اگر بودند با اندکی هزینه و رعایت قوانین حمایتی به راحتی می توانستند مانع بسیاری از حوادث این چنینی شوند. اما از آنجا که سود مضاعف کلانی از این بابت به جیب کارفرمایان رانتهی متکی به حمایت حکومت سرازیر می شود و خیالشان از بابت مجازات راحت است، حاضر نیستند از این سود اضافی که به بهای جان سالانه حداقل ۱۹۰۰ کارگر کسب می کنند بگذرند

رئیس دادگستری اتهام سرپرست را "بی احتیاطی" در حین کار، و سبب زندانی کردن او را "عجز" در پرداخت وثیقه مالی ذکر کرده و اشاره ای به نا امن بودن معدن و کمبود و نقص وسایل ایمنی نکرده است تا بتواند مالک معدن را مبرا کند و بجای آن سرپرست معدن را که نسبت وی با صاحب یا مدیر معدن روشن نیست را بجای مقصر اصلی بر جای متهم بنشانند. جرم بی احتیاطی ولو اینکه به قتل ۶ نفر منتهی شده باشد هم نباید حتی اگر در دادگاه محرز شود چندان سنگین باشد و هیچ بعید نیست و مسبوق به سابقه هم هست که اینگونه متهمان غالباً پس از مدت کوتاهی از زندان آزاد شوند

در گزارش رئیس کل دادگستری اشاره ای به پرداخت خسارت یا دیه کارفرما به خانواده جان باختگان نشده و تنها به بازنشسته کردن ۴ نفر از جان باختگان و پیگیری پرونده های بازنشستگی دو نفر دیگر اشاره شده که کم و کیف حقوق بازنشستگی شان هم نامعلوم گذاشته شده



این ها همگی معلوم می کند که دادگستری این بار نیز مانند موارد متعدد منجر به مرگ ناشی از حوادث کار در پیگرد مسببان آن جدی نیست و می خواهد با اقدامات نمایشی از مجازات عامل اصلی جلوگیری کند و بهمین جهت سرپرست معدن را که احتمالاً باید یکی از کارکنان مزد بگیر معدن را که (نام او را هم در گزارش عنوان نکرده است) قربانی مالک معدن کند.

اشاره رئیس دادگستری به اینکه اگر مقصران احتمالی دیگری از طرف گروه حقیقت یاب معرفی شوند مورد پیگرد قرار خواند گرفت نیز محض احتیاط و برای این عنوان شده که اگر اعتراضی صورت گرفت راه گریزی برای رفع و رجوع قضیه داشته باشند. چنین روالی با اندکی تفاوت در موارد مشابه نیز وجود داشته و رویه ناشناخته‌ای نیست.

خبر گزاری ایلنا که در جلسه و در کنار بسیج دانشجویی و خانواده های کارگران قربانی در این جلسه نمایشی و تبلیغاتی حضور داشت در قسمتی از گزارش خود نوشت

رئیس کل دادگستری استان سمنان با اشاره به مطالبه تامین ایمنی فردی و محیطی در معدن طزره " دامغان گفت: دستور داده شد معاونت امور و صنایع معدنی وزارت صمت هیئتی را تعیین کرده و ظرف مهلت ۱۰ روز اظهار نظر کارشناسی را ارائه کند

اگر هنوز هیئت مورد اشاره رئیس دادگستری گزارش خود را نداده است و قرار است تا ۱۰ روز دیگر آنرا تهیه و ارائه دهد، او چگونه قبل از تهیه شدن گزارش علل و مقصر حادثه را پیدا کرده و او را به اتهام بی احتیاطی روانه زندان کرده است؟

علت سرهم بندی کردن این گزارش تبلیغاتی بر می گردد به حضور وزیر کار و وعده‌هایی که وی برای رسیدگی در روز حادثه داده بود، اگر نه در حوادث قبلی در این معدن و معادن بابنیزرو در کرمان، زمستانپورت در آزاد شهر و... که در دومورد آنها تعداد بیشتری کشته شدند، دولت حتی در این حد واکنش نشان نداده بود.

سراپای گزارش رئیس دادگستری نشان می دهد که در رژیم اسلامی نه تنها عزمی برای کاهش حوادث کار و به مجازات رساندن مقصران واقعی این حوادث که هر ساله حداقل قریب ۲ هزار نفر را به قتل می رسانند و ده‌ها هزار نفر را بیمار و معلول می نماید وجود ندارد، بلکه با عدم مجازات مسببان آنها به تعداد حوادث و شمار قربانیان آن افزوده می شود. سبب آن هم به غیر از این نیست که منافع سرمایه‌داری رانتی و فاسد چنان با منافع رژیم سیاسی حاکم در هم تنیده‌اند که قابل تفکیک از هم نیستند! تا زمانی که این حکومت بر سر کار است، نباید انتظار داشت بهبودی در وضعیت موجود یا در سیاستهای رژیم رخ دهد.

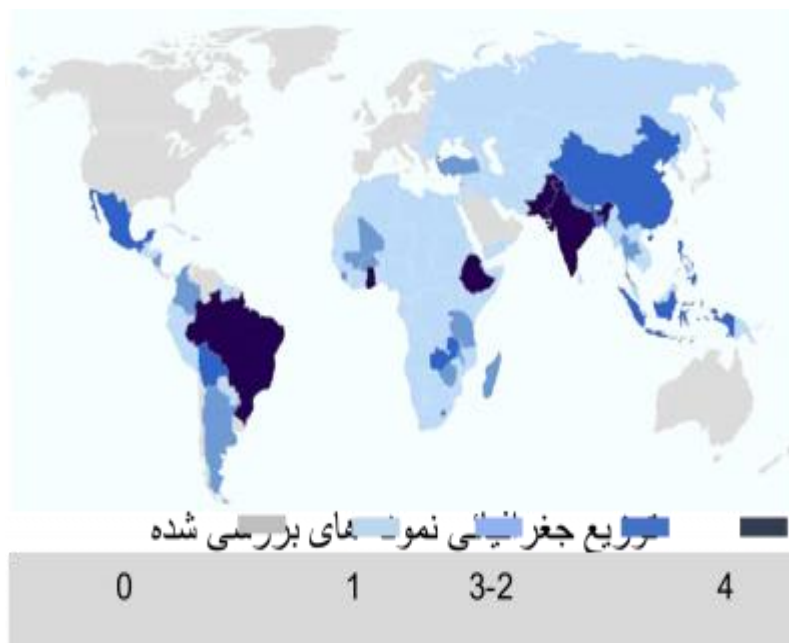
اما این به معنای آن نیست که راه حلی برای آن وجود ندارد. راه حل متحد و متشکل شدن و مبارزه جدی و پیگیر سازمانیافته برای کندن ریشه این رژیم ستمگر و فاسد و عدالت ستیز و جایگزینی آن با حکومت دمکراتیکی است که حقوق سیاسی و سندیکایی کارگران را تامین کند و همه ی شهروندان از حقوق و امکانات برابر برخوردار باشند

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران
و مزد و حقوق بگیران!**



نقش حمایت اجتماعی در امحای کار کودک بخش هفتم
گزارش مشترک سازمان بین المللی کار و سازمان یونسف



2. حمایت اجتماعی به عنوان پاسخ سیاست‌گذارانه به کار کودک: شواهد چه می‌گویند؟

3. 2.2 شمای کلی بررسیهای تجربی

گزارش حاضر ماحصل بررسی 62 نمونه از میان 47 برنامه مختلف برای مهار کار کودک در فاصله سالهای 2010 تا زمان نگارش آن است. بررسی این برنامه‌ها در 37 نمونه (60 درصد) کاهش آشکاری را در زمان کار کودکان در فعالیتهای تولیدی (فعالیت‌های اقتصادی و/یا کارهای خانه)، و 11 نمونه (18 درصد) افزایش زمان کار کودکان در فعالیتهای تولیدی را گزارش کردند. هفت نمونه (11 درصد) حاکی از اثرات متفاوتی برحسب نوع برنامه‌ها بوده‌اند، یعنی برنامه‌هایی که برخی از انواع کار کودکان را افزایش و برخی دیگر را کاهش دادند. هفت نمونه باقیمانده (11 درصد) هیچ تغییر قابل توجهی را در زمان کار کودکان گزارش نکرده‌اند.

کشورهای پردرآمد 0 1 2-3 4

توزیع جغرافیایی نمونه‌های بررسی شده

انواع برنامه‌های حمایتی مورد بررسی عبارت بودند از: کمک نقدی مستقیم (26 نمونه از 21 برنامه)، کمک غیرنقدی (4 نمونه از 4 برنامه)، حمایت اجتماعی جامع به شمول کمک نقدی (11 نمونه از 7 برنامه)،



برنامه های اشتغال عمومی (10 نمونه از 4 برنامه)، درمان عمومی (5 نمونه از 4 برنامه)، تأمین حقوق بازنشستگی (5 نمونه از 5 برنامه)، و تأمین درآمد پایه (یک نمونه). لازم به ذکر است که برنامه های ناظر بر تأمین حقوق بیکاری، حمایت دوران بارداری، و حمایت از کارافتادگی نیز بررسی شده اند. اما در هیچ یک از این برنامه ها موضوع کار کودک در میان نبوده است.

مورد از برنامه های بررسی شده حاکی از تأثیرات مثبتی در مهار کار کودک مطابق استانداردهای 14 سازمان بین المللی کار اند (مانند کار در شرایط خطرناک، کار برای ساعات طولانی، ...). از این 14 نمونه، 9 تا (64 درصد) منجر به کاهش آشکاری در کار کودکان شده اند، یک نمونه دارای آثار متفاوت، یک نمونه بدون هرگونه تأثیر با معنا و سه نمونه افزایش در کار کودکان بوده اند.

نمونه مورد مطالعه از میان 28 کشور با درآمد کم و متوسط انتخاب شده اند: آمریکای لاتین و دریای 62 کارائیب، آفریقای شرقی و جنوبی مناطقی هستند که بیشترین نمونه ها از آنها انتخاب شده اند (هر کدام 15 نمونه). پس از آن آسیای جنوبی (11 نمونه)، آفریقای غربی و مرکزی قرار دارند (هر کدام 9 نمونه). شرق آسیا و اقیانوس آرام (8 نمونه)، و خاورمیانه و شمال آفریقا (4 نمونه).

کمک نقدی مستقیم به خانواده های دارای فرزند یافته های کلیدی

در بررسیهای انجام شده هیچ نمونه اخیری (در فاصله 2010 تا زمان نگارش گزارش) در مورد تأثیر حمایت دوران بارداری بر میزان کار کودکان یافت نشد؛ شواهدی حاکی از ارتباط آثار حمایت دوران بارداری با نتایج تحصیلی بلندمدت کودکان تحت پوشش چنین حمایتی (مزایای زایمان، مرخصی با حقوق والدین و زایمان) وجود دارند. این آثار متفاوت و غالباً مربوط به کشورهای پردرآمد اند؛ برای کسب اطلاع از اثرات حمایت دوران بارداری، از جمله دسترسی به مراقبتهای رایگان زایمان، بر کار کودکان، به ویژه در کشورهای با درآمد کم و متوسط، تحقیقات بیشتری لازم است؛ تحقیقات آتی همچنین باید تأثیرات حمایت دوران بارداری را بر آموزش و کار کودکانی که پیش از این حمایتها به دنیا آمده بوده اند، و نیز به ویژه در مورد حاملگی در نوجوانی بررسی کنند. زنان شاغل و خانواده هایشان در دوران بارداری و پس از زایمان آسیب پذیر اند؛ چندان که بارداری می تواند بر تصمیم خانواده در مورد آموزش و کار کودکان تأثیر بگذارد. با حمایت کافی در دوران بارداری - به نحوی که درآمد خانواده و دسترسی به مراقبتهای بهداشتی تضمین شده باشد، و خانواده را برای زایمان، تجدید قوای مادر و مراقبت از فرزندان جدید آماده کند - می توان مانع از این آسیبها (جلوگیری از بازگشت زود هنگام مادر به کار، حفظ شغل و درآمد خانواده، جلوگیری از سپردن کودکان بزرگتر به بازار کار کودک) شد.

کشتار جنایتکارانه کودکان و غیر نظامیان بی گناه در غزه را پایان دهید!

محاصره غزه جنایت جنگی است و سازمان ملل وظیفه دارد آن را متوقف کند!



کاهش حقوق بازنشستگی در آستانه قطعی شدن

صادق



بعضی از خبرهای منتشر شده در مورد تغییر قانون بازنشستگی که در برنامه هفتم توسعه آورده شده نشان از آن دارند که تغییرات پیشبینی شده، بدون کم و کاست از تصویب مجلس هم خواهد گذشت. همه ی تغییرات که از افزایش سن بازنشستگی عادی، بازنشستگی کارهای سخت و زیان آور، کاهش حقوق بازنشستگی تا افزایش حق بیمه کارگران را در بر میگیرد و قطعاً به بدتر شدن وضعیت معیشتی و رفاهی بازنشستگان منجر خواهد شد، در آستانه تصویب قرار دارند و تصویب شان قطعی به نظر می رسد. دولت و مجلس برای جلوگیری از گسترش اعتراضات تلاش می کند با دادن امتیازات موقتی به کارکنان دولت در میان معترضان شکاف ایجاد نمایند. طرح دولت به تازگی توسط خبرگزاری تسنیم منتشر شده است. با این حال همین اقدام نوعی عقب نشینی در مقابل تظاهرات بازنشستگان است و نشان از اهمیت و تاثیر اعتراضات و ضرورت تداوم آنها برای متوقف کردن طرح های فقرافزای حکومت دارد.

یکی از این تغییرات، به نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی بر می گردد که به کاهش حقوق بازنشستگان هنگام بازنشستگی منجر خواهد شد.

مبنای تعیین حقوق دوران بازنشستگی هم اکنون میانگین مزد دوسال آخر کار، قبل از بازنشستگی است. این مبنا در قانون جدید از دو به پنج سال افزایش داده شده و نتیجتاً موجب کاهش میانگین سطح حقوق بازنشسته در هنگام بازنشستگی می شود. نیت و قصد نمایندگان مجلس و دولت نیز از این تغییر همین بوده است.

کاهش حقوق بازنشستگی در حالی قطعی به نظر می رسد که هم اکنون و قبل از اینکه قانون جدید به مرحله اجرا درآید، حقوق های بازنشستگی اکثریت بازنشستگان کفاف هزینه های حداقلی زندگی را نمی دهد و مضاعف بر آن بخش قابل توجهی از حقوق بازنشستگان بواسطه گرانی دارو و درمان بلعیده می شود. در واقع دولت در عین حال که قصد کاهش حقوق ها را دارد حق بیمه کارگران را با یک افزایش ۳ درصدی از ۷ درصد به ۱۰ درصد افزایش داده است.



تظاهرات گروه های مختلف بازنشستگان برای افزایش حقوق، اجرای همسان سازی و درمان رایگان که دارد به یک پدیده همه روزه تبدیل می شود به روشنی گویای ناکافی بودن حقوق های بازنشستگی است. دولت که خود بهتر از اوضاع خبر دارد سعی می کند با دادن وام که حکم مسکن را دارد از رادیکال و سیاسی شدن اعتراضات جلوگیری کند. بیشتر این وامها هم صرف کسری هزینه های زندگی می شود و هنگام باز پرداخت قسط وامها، کسری هزینه های زندگی و فشار مالی بر گیرندگان وامها افزوده می شود. با این اوصاف تصمیم حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگان و توجیحاتی که برای آن عرضه می کنند، باعث شگفتی است. مقامات دولتی این تغییرات را برای سرپانگه داشتن تامین اجتماعی ضروری و اجتناب ناپذیر می دانند، اما در همان حال همچنان مشغول چپاول و غارت سرمایه ها و اندوخته های تامین اجتماعی هستند. بهمین جهت عده ای از فعالان و کارشناسان معتقدند انجام تغییرات در قوانین مربوط به تامین اجتماعی بهانه ای است برای جبران بدهی های نجومی دولت به تامین اجتماعی و ادامه آن

شواهدی در دست است که حاکی از درستی این ارزیابی است. دولت رئیسی تا آنجا برای در اختیار گرفتن سرمایه ها و درآمدهای تامین اجتماعی پیش رفته است که قصد دارد حق بیمه های پرداختی بیمه شدگان به این سازمان را به خزانه دولت واریز کند

علی اصغر عنایتانی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در آخرین مصاحبه اش با "خبرگزاری «ایلنا» ضمن تأکید بر اصلاحات پارامتریک صندوق های اجتماعی گفته: «ما وقتی می گوئیم مثلاً حقوق بازنشسته به جای دو سال آخر بشود ۵ سال آخر علت این است که می خواهیم از یک فساد عظیمی که در این مدل ۲ سال اکنون دارد اتفاق می افتد جلوگیری کنیم که افراد طی ۲۸ سال در یک سطح حقوق دریافت می کنند بعد در ۲ سال آخر با زدوبند یک پست غیرواقعی می گیرند، حقوق بالا دریافت می کنند و پس از آن این حقوق بالا را سالها به صندوق تحمیل می کنند

این استدلال البته در شرایط امروز ایران پایه و اساس محکمی ندارد، زیرا سالهاست که اکثریت قریب به اتفاق کارفرمایان حتی سهم بیمه ی کارگران شان را کمتر از مزد و حقوق واقعی شان در لیست بیمه می در چنین وضعیتی چگونه ممکن. نویسند. یکی از موارد اعتراضات کارگری هم به همین علت بوده است است کارگر بتواند به زعم این نماینده مجلس حقوق خود در دو سال آخر کاری اش را بالا ببرد. البته طبیعی است که کارگر بخواهد دستمزد خود را بالا ببرد، ولی مگر دست کارگر است؟

او در قسمتی دیگر از توجیحات خود می پذیرد که این تغییر به کاهش حقوق های بازنشستگی منجر می شود و در ادامه می افزاید راه حل جبران آن همسان سازی حقوق هاست. این ادعا یک وعده سرخرمن برای فریب دادن بازنشستگان و کارگران پیش نیست. چرا که می بینیم پس از سالها اعتراض و کشاکش همچنان یکی از خواسته های بازنشستگان در تظاهرات خیابانی اجرای قانون همسان سازی است که در برنامه بودجه سال آینده حتی بودجه ای به آن اختصاص داده نشده است

از اعتراضات و مطالبات بازنشستگان حمایت کنیم!

نابود باد استبداد و بی عدالتی، زنده باد آزادی و برابری



تشدید تعرض به حقوق کارگران و ریاکاری حامیان رژیم صادق



حسن حبیبی یکی از اعضای هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار، روز گذشته از صدور بخشنامه هایی از طرف ادارات کار استانها که باعث مخدوش شدن حقوق کارگران می شود خبر داده است و با غیر قانونی خواندن آنها خواهان پس گرفتن بخشنامه های مذکور و برکناری مدیرانی که آنها را صادر کرده اند شده است.

آنطور که از گفته های حبیبی می شود فهمید قضیه مربوط به چگونگی رسیدگی به شکایات کارگرانی می شود که کارفرمایان بدون پرداخت حق و حقوق شان آنها را از کار اخراج نموده اند و ادارات کار با دور زدن قوانین برای رسیدگی به شکایت آنها از کارگر شاکتی تقاضای معرفی وکیل می کنند.

طبق قانون کار موجود مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات کارگری و کارفرمایی شورایی است مرکب از نمایندگان کارگر، کارفرما و دولت، یا همان قانون موسوم به سه جانبه گرایی.

قانونی که در واقع فقط روی کاغذ وجود دارد و نه نماینده واقعی کارگر در آن حضور دارد و نه در عمل در هیچ سطحی اجرا می شود. برای نمونه می شود به ماجرای تعیین دستمزد در شورای عالی کار در سال گذشته اشاره کرد که دولت و نمایندگان کارفرمایان با همراهی نمایندگان تشکلهای کارگری حکومتی قانون ناظر بر تعیین دستمزد را با بی شرمی کنار زدند و دستمزدها را کمتر از نصف نرخ رسمی تورم افزایش و یا دقیقتر اگر گفته باشم بجای افزایش کاهش دادند.

با چنین سابقه ای چندان عجیب نیست که روسای فاسد ادارات کار استانها هم قوانین کار را با الهام از رفتار روسای ارشدتر خود دور بزنند و بخشنامه هایی را جای آن بنشانند که بنا به اذعان حسن حبیبی مخدوش کننده حقوق کارگر باشند. بهر حال اینگونه اقدامات دقیقاً منطبق با خط مشی ضد کارگری حکومت هستند و نمی تواند بدون موافقت وزیر کار و مدیران ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه انجام گرفته باشند.



تنها خاصیت این افشاگری در این است که نشان می دهد دامنه اقدامات ضد کارگری مدعیان (حکومت عدل علی) باند سید علی و شرکای موتلفه‌ای اش با چه سرعت و حدتی توسعه پیدا کرده و همچنان زیر سایه سرنیزه و استبداد فقهاتی در غیاب تشکلهای کارگری مستقل و واقعی و با چراغ خاموش در حال توسعه است.

اما علت اعتراض دیرهنگام حسن حبیبی بیش از آن که متوجه تعرضات گسترده و پیوسته دولت رئیسی علیه ته مانده قوانین حمایتی کار و اعتراض به نقض آنها باشد چنانکه خود در بخشی از این نوشته روی آن متمرکز شده است مربوط به یکی از بخشنامه‌هایی است که دستور تخته کردن درب یکی از شعب استانی کانون شورا‌های اسلامی را داده است.

او می گوید:

این روزها در برخی استان‌ها، مدیران کل ادارات کار اقدام به صدور بخشنامه می‌کنند و با مانع‌تراشی به منظور جلوگیری از فعالیت کانون شوراهای اسلامی کار استان از طریق پلمپ ساختمان کانون و یا جلوگیری از فعالیت اعضای کانون و نمایندگان معرفی شده در مراجع حل اختلاف، سنگ‌اندازی می‌نمایند اما معاونت روابط کار یکی از استان‌ها پا را از این هم فراتر گذشته و با صدور بخشنامه غیرقانونی، کانون را در روز "روشن نقض کرده است"

پس از آن همه خدمت و تبلیغ کانون عالی شوراهای اسلامی برای رئیسی و دولت مافیایی اش، حبیبی توقع نداشت، که دولت با خدمتگزاران خود چنین برخورد کند. اما شواهد متعددی در دست است که نشان می دهد تاریخ مصرف این تشکل برای حکومت به سر رسیده و این تشکل بخاطر اینکه فاقد هر گونه نفوذی در میان کارگران است نمی تواند مساعدتی به پیشبرد سیاستهای حکومت در میان کارگران بنماید.

آقای حبیبی در این نوشته متوسل به فریب و ریاکاری می شود چرا که به روی مبارک خود نمی آورد که کانون عالی شوراهای اسلامی و بیشتر از بقیه شخص او قبل از انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری گذشته برای رئیسی جنایتکار و دولت دست راستی ضد کارگری و عدالت ستیز آن شب و روز مشغول تبلیغ و یخه پاره کردن بودند.

ماهیت رئیسی جنایتکار که در قتل عام هزاران نفر از زندانیان سیاسی که اتهام شان عدالت و آزادیخواهی بود و اکثرشان نیز کارگر و کارمند و دانشجو و از گروه‌های زحمتکش بودند، نه از نظر مردم و نه از نظر باند حکومتی حاکم بر کانون عالی شوراهای اسلامی نهان بود. آن قتل عام و قتل‌های بعد از آن که همچنان ادامه دارند در واقع بخش برای فراهم کردن اقداماتی بود که اکنون در مقابل چشمان ما قرار دارد. مگر می شود از کسی که عدالتخواهان را می کشد و به پاداش آن بر صندلی ریاست جمهوری برکشیده می شود، انتظار عدالت داشت؟

در پس این همه تجربه عملی وقتی کارگران می بینند این جماعت همچنان سر بزنگاه‌های مهم آشکارا از همین رژیم و سیستم شبه فاشیستی که همه ی حقوق آنان را از آنها گرفته و می گیرد حمایت و علیه جنبش‌های اعتراضی عدالت و آزادیخواه موضع می گیرند، برای انتصابات مجلس مافیایی آینده تبلیغات فریبکارانه می نمایند، کوچکترین شکی برایشان نمی ماند، که اینها خود بخشی از دستگاه سرکوب و از عوامل بی حقوق سازی و فقر امروز کارگران هستند نمی توانند مدعی حقوق کارگر باشند و هنگامی که می خواهند بساط بی رونقشان را بر چینند اعتراض می کنند، کسی را پیدا نمی کنند که حاضر باشد از آنها دفاع کند، چون نبودشان به حال کارگر مفیدتر از بود نشان است.

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم! اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!



گزارش تازه از ادامه اعتراضات کارگری در شرکت‌های نفتی ۲
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
گزارش یکم

بنا بر اخبار دریافتی گروه‌هایی از کارکنان قراردادی (معین) ستادی مناطق نفتخیز جنوب، شرکت فلات قاره و منطقه یک عملیات انتقال گاز میانکوه امروز ۲۹ مهرماه ۱۴۰۲ مقابل ساختمان چهارطبقه (مدیریت مناطق نفتخیز) در اهواز تجمع کردند

این تجمع در اعتراض به اجرا نشدن طرح ساماندهی استخدام کارکنان، موضوع مصوبه دی ماه ۱۴۰۰ شورای اداری و استخدامی در خصوص تبدیل وضعیت استخدامی ها صورت گرفته است
همکاران قرارداد موقت هشدار داده اند در صورت ادامه بی توجهی و تعویق در اجرای این مصوبه، دامنه اعتراضات به جزایر و سکوهای عملیاتی نفت کشیده خواهد شد
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت یکبار دیگر حمایت و پشتیبانی قاطع خود از اعتراضات همکاران در همه بخش های صنعت نفت را اعلام داشته و آمادگی دارد تا تجارب خود را در اختیار این همکاران قرار دهد

گزارش دوم:

امروز یکشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۲، کارکنان رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری مجدداً مقابل ساختمان مدیریت این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند
مطالبه اصلی این همکاران

- * درخواست حذف کامل سقف حقوق
- * حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی *
- * عودت کسورات مازاد مالیات سال‌های قبل *
- * و اجرای کامل ماده ۱۰ است

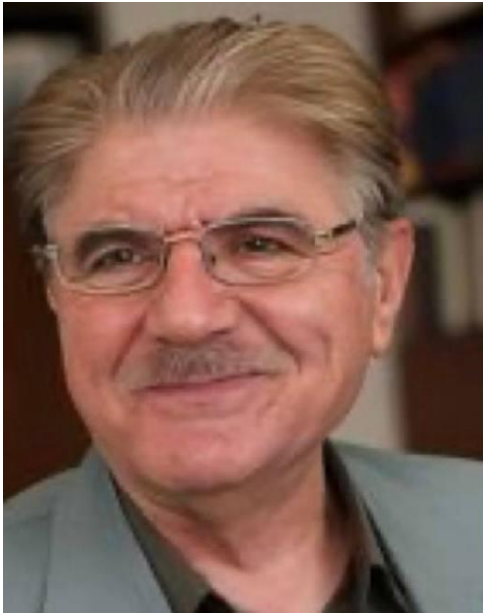


ادامه اعتراضات بازنشستگان

اعتراضات گروه‌های مختلف بازنشستگان در این هفته نیز در چند نوبت برگزار شد. علاوه بر اعتراض سراسری بازنشستگان مخابرات که در مراکز استنهای مختلف بطور همزمان و با مشارکت وسیع بازنشستگان برگزار شد. بازنشستگان فولاد و تامین اجتماعی نیز در چندین شهر از جمله در شوش، کرمانشاه، اهواز، رودبار و هفت تپه با برپایی اعتراضات خیابانی مطالبات خود را با سردادن شعارهای اعتراضی علیه مسئولین دولتی طلب کردند.



در تجمع مشترک بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی که در ۲ آبان در مقابل تامین اجتماعی برگزار شد معترضان علاوه بر درخواست مطالبات خود خواستار آزادی معلمان زندانی شدند. تظاهرات بازنشستگان کشوری به غیر از اهواز در کرمانشاه، همدان، سنندج و چند شهر دیگری بطور همزمان برگزار شد.



در محکومیت حکم زندان برای صالح نیکبخت

در محکومیت حکم زندان برای صالح نیکبخت

آقای صالح نیکبخت وکیل پایه یک دادگستری که وکالت خانواده ژینا (مهسا) امینی و همچنین بسیاری از فعالین کارگری و معلمی را در کارنامه وکالت خویش دارد به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، به یک سال حبس تعزیری و به عنوان مجازات تکمیلی به دو سال منع فعالیت در فضای مجازی محکوم شده است. آقای صالح نیکبخت به بهانه‌ی مصاحبه‌هایی که در خصوص وضعیت موکلان خود و همچنین شرایط دشوار کولبران و کشتار آنان در ایران و انتقاد به اعترافات اجباری متهمان سیاسی از صداوسیما و بیان وظایف مسئولان در حفظ جان متهمان از جمله با شبکه‌های فارسی زبان در خارج کشور داشته در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به این مجازاتها که از هیچگونه وجاهت قانونی برخوردار نیستند محکوم گردیده است.

آقای نیکبخت، با قبول وکالت کارگران و معلمان، تلاش‌های قابل تقدیری برای اجرای عدالت و برای رهایی انسان‌های حق‌طلب که برای رفع تبعیض در جامعه مبارزه کرده‌اند انجام داده است. ایشان وکالت سندیکای کارگران شرکت واحد را از بدو تشکیل به عهده داشتند و همیشه در کنار فعالین کارگری و معلمی بوده و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرده است.

روشن است که قبول وکالت خانواده زنده یاد ژینا امینی و کارگران و معلمان و دیگر فعالین اجتماعی باعث کینه‌ی مسئولین امنیتی و قضایی از این وکیل مستقل و شریف شده است و صدور حکم حبس در همین راستا می‌باشد. در حالی که تلاش‌های آقای نیکبخت و قبول وکالت خانواده ژینا امینی و کارگران و معلمان در راستای قانون اساسی موجود در کشور بوده اما پاسخ تلاش برای دفاع از همین حقوق قانونی کارگران و مردم ستم‌دیده از طرف مسئولین حکم زندان می‌باشد.



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه این حکم ناعادلانه را بشدت محکوم می‌کند و خواهان مختومه نمودن پرونده قضایی علیه آقای صالح نیکبخت می‌باشد

به امید برقراری عدالت در ایران و جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

مهر ۱۴۰۲ ۲۸



جانباختن ۵ تن از معلمان شاغل در مدارس مورد حمایت سازمان ملل در غزه

به گفته خانم آستین، در میان ۱۱ نفر از کشته‌شدگان بمباران‌های غزه، پنج نفر معلم‌هایی بوده‌اند که در مدارس مورد حمایت سازمان ملل در غزه، به کودکان فلسطینی آموزش می‌دادند

همچنین یک پزشک متخصص زنان، یک مشاور روانشناسی، یک مهندس و سه نفر از کارمندان اداری نیز کشته شده‌اند

به گفته خانم آستین، برخی از کارمندان سازمان ملل در خانه‌هایشان و همراه با خانواده‌شان کشته شده‌اند

سازمان ملل متحد اعلام کرد که به دلیل حملات شدید اسرائیل بیش از ۱۷۵ هزار نفر در مدارس این سازمان در نوار غزه، پناه گرفتند

در بیانیه آژانس امداد رسانی سازمان ملل به آوارگان فلسطینی (آنروا) در این زمینه با اشاره به افزایش تعداد آوارگان به دلیل حملات مداوم اسرائیل آمده است که هزاران غیرنظامی در ۸۸ مدرسه وابسته به سازمان ملل در غزه که تحت محاصره کامل اسرائیل است، پناه گرفتند

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



ادامه اعتراضات کارگری گسترده در شرکتهای نفتی

همکاران عملیاتی شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی ابودر و بهرگانسر امروز دوشنبه اول آبان ماه ۱۴۰۲ در محل کار خود تجمع کردند

دیروز سی ام مهرماه نیز گروههای دیگری از همکاران شرکت فلات قاره در جزایر سیری و خارگ نیز دست به اعتراض زده بودند

مطالبه و خواست اصلی این همکاران

منبع: کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت
تحمیلی حمایت می کنیم!**

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در
آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>